آموزش تحلیل سیاسی/ افول آمریکا و انتقال قدرت از غرب به شرق

اگرچه فروپاشی اتحاد شوروی ظاهراً به نفع واشنگتن تمام شد، ولی آمریکا پس از این حادثه دیگر توجیهی برای گسترش هژمونی خود در افکار عمومی جهان نداشت. در واقع پس از فروپاشی اتحاد شوروی، هژمونی آمریکا به‌شدت مورد تهدید قرار گرفت. حمله‌ی صدام به کویت بهانه‌ی خوبی برای آمریکا بود تا توجیهی برای ماشین جنگی خود داشته باشد، ولی این روند در افکار عمومی آمریکا و جهان تداوم نداشت





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 136/چهارشنبه 5دی ماه 1397**

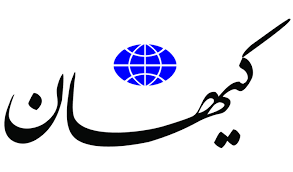
**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**تاوان اشتباه**

****

**دیروز بودجه‌98 تقدیم مجلس شد؛ بودجه‌ای که بنا شده تغییراتی متناسب با شرایط آینده کشور داشته باشد و دوراندیشی‌ها در آن، افزایش یابد. تحلیل بودجه را می‌توان در روزهای آتی ادامه داد؛‌ اما نکته‌ای را رییس‌جمهوری در جلسه مجلس بیان داشت که پرسش‌های مهمی را در باب نحوه اداره کشور ایجاد کرده، هرچند باید از سخنان وی در مورد اصلاح ساختاری دیوان‌سالاری دولتی و بانک‌ها استقبال کرد و امیدوار شد که این‌ موارد در گرداب قبلیه‌گرایی نیفتد. جمله این بود: «در اوایل سال‌97 در مقطعی قرار گرفتیم که ذخیره اسکناس ارزی ما تقریباً صفر بود» که احتمالاً مربوط به فروردین و اردیبهشت سال جاری می‌شود؛ اگر این خبر صحت داشته باشد، دولت و رییس کل بانک مرکزی وقت، قطعاً نخستین مخاطب بروز این مشکل‌اند که چگونه برای این شرایط پیش‌بینی مناسبی نداشته‌اند و علاوه‌بر آن، به‌طور همزمان سیاست عرضه ارز مسافرتی، توزیع حجیم اسکناس در بازار ارز داخلی که بخش معتنابهی از آن خارج شد و مضافاً بر این‌ها خالی‌کردن خزانه طلای کشور را (با فروش سکه) به اجرا گذاشته‌اند. آیا از مدت‌ها قبل برآورد نمی‌شد که با مسدودسازی خدمات صرافی‌ها در امارات و برخی کشورهای دیگر، چنین دشواری‌هایی به‌وجود خواهد آمد؟ و حالا با توجه به این گزاره رییس‌جمهوری، چرا با انتصاب مجدد رییس بانک مرکزی و مقاومت در مورد برگزاری دادگاه رسیدگی به معاون ارزی این بانک در ایام مذکور، اجازه برخورد با خطاکاران داده نمی‌شود تا این سرمنشأهای بروز بحران، به میزان آنچه عدالت تعیین می‌کند، تاوان (در خوش‌بینانه‌ترین شرایط) اشتباه خویش را بدهند؟!**

**سناتور آمریکایی: خروج از سوریه هدیه بزرگ به ایران و روسیه است**

****

**کریس کونز معاون کمیته اخلاق سنای آمریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌بی‌اس گفت؛ ترامپ با خروج ناگهانی از سوریه یک هدیه بزرگ کریسمس به آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه می‌دهد. کونز ادامه داد جمهوریخواهان و دمکرات‌های سنای آمریکا از دونالد ترامپ می‌خواهند که در موضوع خروج از سوریه بازنگری کرده و به نظرات مشاورانش اهمیت دهد. وی همچنین گفت خروج از سوریه در این مقطع زمانی و تنها گذاشتن متحدان کرد واشنگتن راه را برای کنترل سوریه توسط روسیه، ایران و ترکیه هموار می‌کند.**

**کونز تاکید کرد: تثبیت موقعیت ایران در سوریه و در مرز با اسرائیل نگرانی‌هایی درباره امنیت رژیم اسرائیل ایجاد می‌کند. من درباره پیامی که خروج از سوریه به متحدانمان درباره میزان قابل اتکا بودن ایالات متحده ارسال می‌کند، نگران هستم.**

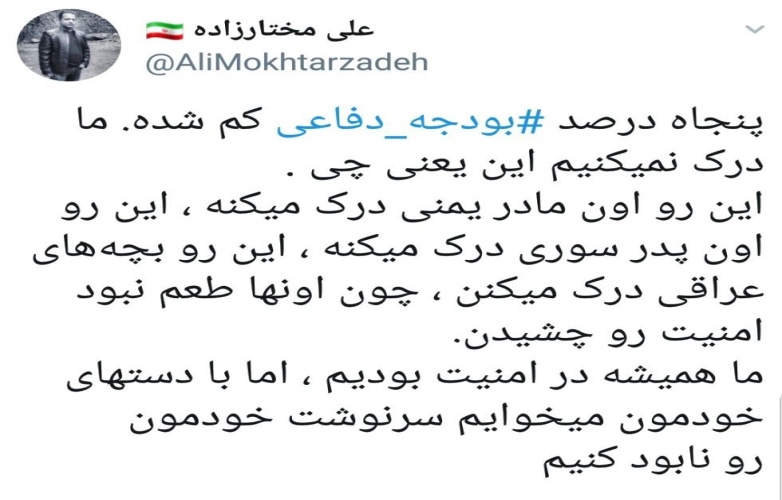
**باتلاق انفعال و دانشجویان قربانی**

****

**حادثه واژگونی اتوبوس حامل دانشجویان در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد‌ که منجر به فوت 9 نفر از دانشجویان شد، در حالی رخ داد که بارها از این دست حادثه‌ها در اخبار شنیده شده است. آمار تلفات جاده‌ای که از آمار شهدای 8 ساله جنگ تحمیلی بیشتر بوده است، نه تنها تلنگری به اصلاح وضع موجود نزده است که تصمیم‌گیران همچنان در باتلاق مسخ شده انفعال، نظاره‌گر چنین حوادث تلخی هستند. با این همه می‌توان این حادثه را از چند جنبه بررسی کرد و در وهله نخست پرسیده شود که نهادی مانند دانشگاه آزاد اسلامی با درآمد سرشاری که دارد چرا همچنان از ناوگان فرسوده، برای حمل و نقل دانشجویانی استفاده می‌کند که سرمایه‌های این کشور محسوب می‌شوند. آنچنان که این سوال را باید از مجموعه تصمیم‌گیران چند دهه اخیر در‌خصوص وضعیت نابسامان خودروسازی در کشور پرسید و ایمنی پایین جاده‌ها که در پیچ و خم آب رفتن بودجه‌های عمرانی کشور همیشه به فراموشی سپرده می‌شود. نکته تاسف‌بار دیگر که باید در‌خصوص این حادثه یادآور شد، وقوع آن در دانشگاهی است که از اتفاق پسوند علوم تحقیقات را یدک می‌کشد و انگار برای حل ابتدایی‌ترین معضلات این دانشگاه در یک اشل کوچک هیچ کدام از علوم تحقیقاتی تدریس شده، کاربردی نشده است.**

**این ماجرا زمانی تلخ‌تر می‌شود که شنیده شده است، پروژه تله‌کابین این واحد دانشگاهی که می‌توانست جایگزینی برای اتوبوس‌های آن باشد، در سال ۹۵ و پس از تغییر مدیریت دانشگاه آزاد، به دلایل نامشخصی متوقف شده است. پروژه‌ای که مسیر 8 کیلومتری را به 1800 متر کاهش داده و آنطور که رسانه‌ها مطرح کرده‌اند حدود 80 درصد آن تکمیل شده بود و به یکباره از ادامه آن سر باز زده شد. هر چند باید مسئولان در قبال این وقایع، به ابهامات ماجرا به طور شفاف پاسخ دهند اما این حادثه به طور کلی از چهار جنبه اساسیِ ناایمن بودن راه‌ها، خودروهای فرسوده، غیر‌کاربردی بودن علوم**

**دانشگاهی در توسعه کشور و سوء‌مدیریت باید آسیب‌شناسی شود. فارغ از اینکه نباید حوادث تلخ این چنینی به مسلخ منازعات سیاسی برده شود، باید پرسیده شود که چرا هنوز بعد از گذشت چند دهه از وجود مشکلات تکراری، همچنان باید منتظر شنیدن اخبار تلخ درخصوص تلفات جاده‌ای باشیم. مردم بارها و به انحا مختلف پرسیده‌اند که چرا صنعت خودروسازی کشور نتوانسته به استانداردهای جهانی و زیست محیطی نزدیک شود و یا چرا جاده‌های درون و برون شهری ایمنی لازم برای کاهش حوادث این چنینی را ندارند؟ به نظر می‌رسد همه این سوالات تنها یک پاسخ روشن دارد و آن سوء‌مدیریت و ساختار معیوبی است که انگار عزمی برای اصلاح آن دیده نمی‌شود.**

****

**ترامپ تنها در خانه**

****

**یانکی یاغی نیویورکی شام کریسمس را تنها‌‌‌‌‌‌تر از همیشه در واشنگتن صرف کرد. ترامپ در قامت رئیس‌جمهور تاکنون یک دور کامل تمام تیم مشاوران و دستیاران ارشدش- جز داماد و دختر خود- را از دست داده و دست‌کم 9 وزیر انتخابی‌‌‌‌اش در کابینه‌ای را که کمتر از 2 سال پیش تشکیل داد، اخراج کرده است. دونالد ترامپ در جدیدترین سلسله توئیت‌‌ به تنهایی خود در کاخ سفید اعتراف کرد و نوشت: «من تنهای تنها در کاخ سفید هستم (طفلکی من!) و منتظر دموکرات‌ها هستم تا برگردند و درباره امنیت مرزی که خیلی به آن نیاز داریم توافق کنند. در مقطعی، دموکرات‌ها که نمی‌خواهند توافق کنند، بیشتر از پول مورد نیاز برای دیوار مرزی که همه از آن سخن می‌گوییم به کشورمان ضرر می‌زنند. دیوانه‌وار است!»اما تنهایی ترامپ فقط به‌خاطر جبهه گرفتن ژنرال‌ها، دانه‌درشت‌‌های هر دو حزب کنگره و حتی لابی‌‌های اسرائیلی و عربی علیه فرمان خروج نیروهای آمریکایی از سوریه نبود، بلکه او به شکل دیوانه‌واری به «وضع موجود» ایالات متحده در همه زمینه‌‌های سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، اجتماعی و البته اقتصادی اعلان جنگ داده است. مطابق همان تعبیر مطبوعاتی معروفی که «عقب‌نشینی خارجی ترامپ» را با هدف «لشکرکشی داخلی» توصیف می‌کند. به تعبیری دیگر او پس از در افتادن با باند جنگ‌سالاران آمریکا حالا با مافیای زرسالاران یهودی در افتاده و جدید‌‌‌‌‌ترین حملاتش را در**

**آستانه کریسمس متوجه خزانه‌داری و خزانه فدرال (فدرال ریزرو یا همان بانک مرکزی) یعنی بزرگ‌‌‌‌‌ترین مخزن مالی جهان کرده است.**

**رفتار دوگانه مدعیان اصلاحات با آیت‌الله شاهرودی**

****

**برخی از افراطیون این طیف دیروز پس از انتشار اخبار مربوط به وخامت حال آیت‌الله شاهرودی، هماهنگ با محافل ضد انقلاب، اقدام به عقده‌گشایی‌های مبتذل کردند. اما طیفی دیگر کوشیدند وجاهت آن مرحوم را مصادره به مطلوب کنند و در اظهارات و تیترهای خود، از عناوینی مانند «فقدان فقیه نوگرا»، «مصلح عدالت‌خواه»، «روحانی اهل علم و اعتدال» و «درگذشت فقیه میانه‌رو» استفاده کردند.**

**قطعاً آن مرحوم، اهل میانه‌روی و اعتدال و نوگرایی و عدالت‌خواهی بودند و عمری را پای خدمت به انقلاب گذراندند. اما اگر این عناوین درست - که درست است- آن وقت آیا جز این است که طرف مواجهه‌های آیت‌الله هاشمی شاهرودی را باید افراطی، مرتجع و ضد عدالت‌خواهی قلمداد کرد؟! به یاد داریم که دوره تصدی قوه قضائیه توسط آن مرحوم، اوج تحرکات ضد انقلاب و نفاق جدید (در پوسته اصلاح‌طلبی) بود و به همین دلیل آن دستگاه با هدایت آیت‌الله شاهرودی، با برخی گردن‌کلفت‌های این طیف و مفاسد سیاسی و اقتصادی‌شان برخورد کرد.**

**به خاطر همین هم بود که افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی بیشترین حملات و ترور شخصیت‌ها را علیه آن مرحوم مرتکب شدند و همزمان با ضد انقلاب و رسانه‌های بیگانه مدعی نقض حقوق بشر شدند.**

**همچنین هنگامی که قوه قضائیه وقت وارد برخورد با پرونده عظیم فساد و ارتشاء و پولشویی شهرام جزایری شد - که برخی مدیران دولت اصلاحات و نمایندگان شبه اصلاح‌طلب را خریده و وامدار کرده بود- طیف مذکور به جای همراهی و حمایت، علیه تابعیت ایرانی آیت‌الله شاهرودی جنجال و شانتاژ کردند تا بدین ترتیب گروکشی کنند اما با ایستادگی و شجاعت قوه قضائیه ناکام ماندند.**

**مثلث معاش، شفافیت و اشتغال در بودجه**

****

**رئیس جمهوری در هنگام تقدیم لایحه بودجه 98 به مجلس، «شفافیت، معاش و اشتغال» را سه شاخصه لایحه بودجه سال آینده عنوان کردند، این سه شاخص در یک اقتصاد سالم قابل جمع است چرا که اساساً مسأله معیشت در گرو ایجاد فضای اشتغال است و از سوی دیگر یک اقتصاد سالم نمی‌تواند بدون شفافیت تحقق یابد. اما توجه کنیم که اقتصاد ما در حال حاضر با سه چالش جدی در این باره روبه‌روست: اول از همه بیکاری به صورت گسترده بویژه هرم سنی جوانان تحصیلکرده را تحت تأثیر قرار داده است و ما با چالش‌های معیشتی بخش اعظمی از مردم روبه‌رو هستیم.**

**در دیگر سو اقتصاد ایران در شاخص شفافیت نمره چندان بالایی نمی‌گیرد و متأسفانه فساد به گونه‌ای در لایه‌های اقتصادی روی داده که به اعتمادسوزی جامعه انجامیده است همچنان که نشانه‌های نارضایتی عامه مردم از نفوذ و گسترش فسادهای اقتصادی را به عینه می‌بینیم.در چنین فضایی اگر بودجه بتواند این سه شاخص را در کنار هم به عنوان یک**

**هدف و اولویت مهم قرار دهد بسیار عالی خواهد بود اما سخن بر سر این است که آیا دولت امکانات لازم برای تحقق این سه شاخص یا اولویت را دارد؟ واقعیت آن است که در فضای امروز دولت دست به گریبان مشکلات متعددی است و حتی با چالش‌های جدی در تأمین معیشت نیروی انسانی خود روبه‌رو است، در این صورت چه انتظاری از دولت می‌توان داشت که بتواند عامه مردم بویژه دهک‌هایی که به خاطر سیاست‌های اعمال شده در طول این سال‌ها از سوی دولت‌ها در فقر مفرط قرار گرفته‌اند پوشش دهد. به عنوان نمونه در یک سال اخیر با اتفاقاتی که در جهش نرخ ارز روی داد عملاً فقر در جامعه ایران گسترش بیشتری پیدا کرد. بنابراین بسیار اهمیت دارد که دولت محترم اجازه ندهد رشد جهشی قیمت‌ها تداوم داشته باشد چون معیشت مردم را نشانه می‌گیرد و به فضای اشتغال آسیب می‌زند. ما در شرایط جنگ اقتصادی قرار داریم. بنابراین دولت چاره‌ای ندارد جز این که در این جنگ هم در تدوین بودجه و هم در تزریق نقدینگی انقباضی عمل کند. در این راستا اتکا به ارز نمی‌تواند برای اقتصاد امروز ایران راهگشا باشد چون بسیاری از این ارزها قابل دسترس نیستند و در کشورهای خریدار نفت بلوکه می‌شوند و نمی‌توان معادل ریالی آنها را به بازار عرضه کرد. در چنین حالتی تزریق نقدینگی بیشتر تحت عنوان پول پرقدرت، 7.5 برابر به رشد نقدینگی در جامعه می‌انجامد اما از جمله اهرم‌هایی که دولت می‌تواند از آنها در تأمین درآمدهای خود استفاده کند رفع کردن شکاف فرار مالیاتی 40 درصدی است. دولت می‌تواند با مالیات بستن بر عواید سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد، مسکن‌های خالی و سود سپرده‌های درشت بانکی رقم قابل توجهی را به دست آورد. فی المثل سالانه 240 هزار میلیارد تومان سود به سپرده‌های بانکی اعطا می‌شود و بخش قابل توجهی از این سود - 70 درصد – به جیب عده اندکی می‌رود.**

****